

بررسی محاکم تخصصی حقوق مالکیت معنوی^۱

لیلا رئیسی

تاریخ دریافت: ۸۶/۰۲/۱۳

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد^۲

تاریخ تایید: ۸۶/۰۵/۰۳

چکیده

نظریه پردازان حوزه حقوق مالکیت معنوی، همواره بر طبیعت خاص موضوعات مالکیت معنوی و اختلافات مربوط به آنها، تکیه نموده و بر ضرورت پیش‌بینی و تعبیه مکانیزم‌های قضایی و غیرقضایی ویژه این‌گونه موضوعات، تأکید ورزیده‌اند. ایجاد دادگاه‌های تخصصی مالکیت معنوی را باید نتیجه همین امر تلقی نمود.

بررسی‌ها حاکی از ایجاد و شکل‌گیری احساس ضرورت و تمایل وافر در بیشتر سیستم‌های ملی در جهت ایجاد محاکم مذکور است. با وجود این اگرچه ایجاد محاکم تخصصی در حوزه حقوق مالکیت معنوی ابتکاری بدیع و گامی مؤثر در جهت حمایت از حقوق مذکور می‌باشد، محاکم مذکور در کنار تمام مزایایی که دارند از معایبی نیز برخوردارند. در عین حال ایجاد محاکم تخصصی با موانع جدی روبرو است که بدون رفع آنها محاکم مذکور را یا نمی‌توان اساساً ایجاد نمود یا در صورت ایجاد، وجود آنها را نمی‌توان در جهت حمایت از حقوق مالکیت معنوی چندان مؤثر تلقی کرد. بنابراین ضروری است کشورها قبل از ایجاد محاکم تخصصی مالکیت معنوی، شرایط لازم را بررسی نموده و مزایا و معایب آنها را با توجه به موقعیت خود بسنجند، تا از ایجاد زود هنگام و شتابزده محاکم مذکور که نه تنها موجب حمایت از حقوق مالکیت معنوی نمی‌گردد، بلکه آسیب‌های جدی نیز بدنبال دارد، خوداری نمایند.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت معنوی، اختلافات، محاکم تخصصی، مزایا، معایب، موانع، شرایط ضروری.

مقدمه

وجه اشتراک زیادی میان همه موضوعات گرد آمده زیر عنوان حقوق مالکیت معنوی وجود دارد، اما این تنوع گسترده موضوعی به ویژه زمانی که با تنوع نظام‌های حقوقی همراه می‌گردد، وضعیت بسیار پیچیده‌ای را ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که رفع تعارضات و جمع بین حقوق پدید آورندگان و استفاده‌کنندگان یا غیر ممکن یا بسیار سخت و پیچیده می‌شود.

در کنار عامل تنوع و پیچیدگی موضوعات و نظام‌های حقوقی مالکیت معنوی، عامل سیار بودن را که ویژگی ذاتی بیشتر مصادیق حقوق مالکیت معنوی است، باید اضافه نمود. موضوعات حقوق مالکیت معنوی اکثراً به گونه‌ای است که امکان محدود نمودن آنها در چهارچوب مرزهای یک کشور وجود نداشته و بدین وسیله این موضوعات معمولاً از حیطة حاکمیت یک نظام حقوقی فراتر

1- Specialized Intellectual Property Courts.

۲ - وکیل پایه یک دادگستری و دانشجوی دکتری

رفته و با چندین نظام حقوقی ارتباط پیدا کرده و موجب تداخل چندین نظام حقوقی با یکدیگر می‌گردند (Joshua S Gans, Phihip L Williams and David Briggs, 2002:5). به عنوان نمونه، حق کپی‌رایت را نمی‌توان محدود در مرزهای کشوری که اثر در آن ایجاد گردیده نمود و بدین وسیله مانع از تکثیر اثر در خارج از مرزها شد. پیدایش اینترنت و افزایش تجارت الکترونیکی نیز بر این مشکل افزوده و مسائل جدیدی را در این ارتباط ایجاد کرده است. عامل تخصصی بودن بیشتر موضوعات حقوق مالکیت معنوی نیز بر پیچیدگی‌های قبلی می‌افزاید. تخصصی بودن موضوعات مذکور، ضرورت دانش فنی بالایی را در قضاوت و سایر افراد درگیر در مکانیزم حل و فصل دعاوی و اجرای آرای صادره ایجاد می‌کند، در حالی که مراجع عمومی معمولاً تخصص فنی لازم برای رسیدگی به این‌گونه اختلافات را ندارند و به همین دلیل یا نسبت به رسیدگی به این‌گونه دعاوی تمایلی از خود نشان نداده یا در صورت رسیدگی نتایج مطلوبی را ارائه نمی‌دهند.

وجود این ویژگی‌ها در موضوعات حقوق مالکیت معنوی موجب شده است تا اختلافات مربوط به آنها از طبیعت خاصی برخوردار باشد و در نتیجه وجود مکانیزم‌های خاصی همانند محاکم تخصصی حقوق مالکیت معنوی برای حل و فصل آنها ضرورت پیدا کند. در عین حال در مورد محاکم مذکور سؤالات و ابهامات فراوانی وجود دارد. همانند این‌که چرا به‌رغم درک ضرورت وجود محاکم تخصصی، هنوز در بیشتر کشورها این محاکم ایجاد نشده‌اند؟ موانع عمده موجود در راه ایجاد آنها چیست؟ مزایا و معایب محاکم مذکور چه می‌باشد؟ شرایط و زمینه‌های لازم برای ایجاد آنها چیست و کشورها الزاماً برای ایجاد محاکم تخصصی چه مواردی را باید در نظر بگیرند؟ آیا در شرایط فعلی ایجاد محاکم مذکور در همه کشورها مفید بوده و تنها راه حل مفید برای حل اختلافات حقوق مالکیت معنوی است؟ و موارد مشابه دیگر.

در این مقاله سعی شده است در حد امکان موضوعات فوق بررسی و به سؤالات یادشده پاسخ داده شود.

۱. مزایای ایجاد محاکم تخصصی

محاکم تخصصی منافع و مزایای فراوانی دارند. در این‌گونه محاکم قضاوت به دلیل تخصص و تجارب بالایی که در موضوعات مربوط به حقوق مالکیت معنوی دارند، نسبت به قضاوت محاکم عمومی تصمیمات کاربردی‌تری را اتخاذ کرده و آرای مستندتر و مفیدتری در جهت حمایت از دارندگان حقوق مالکیت معنوی و جلوگیری از نقض حقوق آنها صادر می‌نمایند (IBA:p11). این تجربه و تخصص از آن جهت بسیار با اهمیت است که بیشتر موضوعات حقوق مالکیت معنوی نیاز به اطلاعات فنی دقیق دارد.

صدور آرای متحدالشکل و منسجم و جلوگیری از صدور آرای متشکست و پراکنده از فواید دیگر این محاکم است که خود در نهایت می‌تواند منجر به شکل‌گیری دکترین حقوقی مستحکم و یکپارچه در زمینه حقوق مالکیت معنوی گردد (Ibid). دکترین مذکور قطعاً یکی از منابع غنی در فرایند قانون سازی در حوزه حقوق مالکیت معنوی در سطح ملی خواهد بود. بی‌تردید شکل‌گیری دکترین‌های حقوقی غنی در سطح نظام‌های ملی خود از عوامل مؤثر در غنا بخشیدن به فرایند قانون سازی در حوزه حقوق مالکیت معنوی در سطح بین‌المللی است.

محاکم تخصصی، در مقایسه با محاکم عمومی در پذیرش موضوعات جدید در حوزه حقوق مالکیت معنوی و اجرای قوانین جدید از توانمندی بالاتری برخوردارند. استفاده از کارشناسان و وکلای متخصص این توانمندی را هرچه بیشتر افزایش می‌دهد. بسیاری از موضوعات جدید در حوزه حقوق مالکیت معنوی ابتدا به وسیله قضات و در محاکم تخصصی به عنوان یکی از مصادیق قابل حمایت حقوق مالکیت معنوی مورد شناسایی قرار می‌گیرند.

نحوه تفسیر و استنباط محاکم تخصصی در مقایسه با محاکم غیرتخصصی با ضروریات موضوعات حقوق مالکیت معنوی هماهنگ‌تر است. به عنوان نمونه در چین محاکم تخصصی با نحوه تفسیر خود از برخی قوانین مالکیت معنوی تا حدودی به رفع موانع موجود در راه حمایت قضایی موثر از دارندگان حقوق مالکیت معنوی کمک کرده‌اند. مثلاً این محاکم آستانه مسئولیت کیفری را پایین آورده و دامنه مسئولیت همدست و معاون را تا حدود زیادی گسترش داده‌اند، به نحوی که شامل واردکنندگان و صادرکنندگان و دیگر افرادی که به متخلفان از مقررات مالکیت معنوی کمک می‌کنند هم می‌شود (Report executive summary, 2005:29).

به حداقل رساندن مدت فرایند رسیدگی در عین انجام یک دادرسی دقیق و اتخاذ تصمیم کارآمد که از اهداف مهم در تمام مکانیزم‌های حل و فصل در سطح داخلی و بین‌المللی است، از طریق محاکم تخصصی بهتر محقق می‌گردد.

آشنایی قضات با الگوهای رسیدگی و محدود و تکراری بودن موضوعات باعث افزایش سرعت عمل آنها می‌گردد. علاوه بر آن احتمال بروز خطا در تصمیم‌گیری نیز بسیار کاهش می‌یابد. تحقق این اهداف در موضوعات تجاری به ویژه در برخی از موضوعات مربوط به حقوق مالکیت معنوی، بسیار حیاتی و مهم می‌باشد. کاهش مدت رسیدگی علاوه بر صرفه‌جویی در وقت، موجب کاهش هزینه‌های محاکم و کارمندان اداری آنها نیز می‌گردد (Ibid).

در محاکم تخصصی، طرفین خصوصی یک اختلاف بین‌المللی با تمایل و اطمینان خاطر بیشتری اختلاف خود را طرح می‌نمایند. در کشورهایی که محاکم تخصصی ایجاد گردیده است، این

موضوع تأثیر چشم‌گیری در تشویق سرمایه‌گذاری خارجی داشته و خود از عوامل توسعه سرمایه‌گذاری محسوب می‌گردد.

در این‌گونه دعاوی طرفین خارجی اختلاف در صورت اطمینان از کیفیت دادرسی، توسل به آنها را بر توسل به دیگر مراجع ترجیح می‌دهند. در این‌گونه اختلافات معمولاً افراد یا باید از کشورهای متبوعشان بخواهند که در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت طرح دعوا نمایند یا خود به روش‌های بین‌المللی موجود متوسل گردند.

توسل به هر یک از دو شیوه مذکور در مقایسه با امکان توسل به یک دادگاه تخصصی پیشرفته ملی، ممکن است پیامدهای نامطلوبی داشته باشد. مثلاً توسل به رکن حل اختلاف سازمان تجارت از طریق کشورها ممکن است موجب دخالت عوامل سیاسی و بروز خطر از دست دادن فرصت‌های تجاری در آینده برای طرفین خصوصی اختلاف بشود. یا توسل به مراجع بین‌المللی همانند مرکز داوری و ایپو^۱ اگرچه روشی مطلوب و معمول در دعاوی بین‌الملل خصوصی مالکیت معنوی است، اما ممکن است در مقایسه با توسل به یک دادگاه ملی موجب تحمیل هزینه‌های سنگین و اتلاف وقت بیشتری از طرفین اختلاف بشود. در عین حال اجرای رأی صادره از یک دادگاه ملی بسیار آسان‌تر از اجرای رأی صادره از دیوان بین‌المللی داوری است؛ به ویژه در کشورهایی که دارای تعهد بین‌المللی در این مورد نیز نمی‌باشند.

در کنار تمام مزایای یادشده، رشد و توسعه محاکم تخصصی در سطح جهان می‌تواند موجب ایجاد رویه‌های متحدالشکل و تسریع در جریان هماهنگ‌سازی فرایندهای حل و فصل دعاوی حقوق مالکیت معنوی گردد.

برخی از حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند که برای کمک به تحقق این هدف مهم، بهتر است یک پایگاه اطلاعاتی مشترک میان تمام محاکم تخصصی در سطح جهان ایجاد گردد تا از طریق آن محاکم مذکور بتوانند مهارت‌ها و تجارب خود را به یکدیگر منتقل سازند. آرای صادره از محاکم مذکور با حفظ اسرار حرفه‌ای طرفین دعوا، از طریق پایگاه مذکور منتشر گردید تا به تدریج در نظام‌های ملی از صدور آرای معارض در موضوعات مشابه با قوانین مشترک جلوگیری به عمل آید (Sripibol, 2004:7).

بی‌تردید ارتقای کیفی و کمی محاکم تخصصی و برقراری ارتباط نزدیک میان آنها تا این سطح می‌تواند محاکم مذکور را به ابزاری مفید و مؤثر برای جهانی شدن حقوق مالکیت معنوی و هماهنگ‌سازی فرایندهای حل و فصل دعاوی این حوزه تبدیل سازد.

1- The Wipo Arbitration and Mediation Center. (WAMC)

۲. معایب محاکم تخصصی

اگرچه محاکم تخصصی دارای مزایای زیادی می‌باشند، معایبی نیز برای آن‌ها بیان گردیده است. از جمله می‌توان موارد زیر را نام برد:

ایجاد و نگهداری این‌گونه محاکم معمولاً هزینه بالایی دارد. البته منظور این نیست که هزینه دادرسی در این‌گونه محاکم نسبت به محاکم عمومی برای اصحاب دعوا خیلی بیشتر است، بلکه منظور هزینه‌های عمومی این محاکم برای دولت می‌باشد که به دلیل ضرورت هزینه‌های لازم برای آموزش قضات، کارمندان و مجریان آرای صادره، هزینه محاکم مذکور در مقایسه با محاکم عمومی بسیار بالاتر می‌باشد (Ibid)؛ به ویژه در بسیاری از کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، به دلیل عدم رشد و توسعه حوزه حقوق مالکیت معنوی، اختلافات مربوط به این حوزه دارای حجم بالایی نمی‌باشد که تحمل هزینه‌های بالا را برای دولت توجیه پذیر سازد.

از جمله معایب دیگر، احتمال سوء استفاده برخی از اصحاب دعوا، به دلیل بدست آوردن شناخت کامل نسبت به محاکم مذکور و قواعد تخصصی آنها است. این‌گونه افراد به دلیل اقامه مکرر دعاوی از راه‌های فرار و دور زدن قانون تا حدود زیادی مطلع گردیده و ممکن است دعوا را با سوء استفاده از این اطلاعات اقامه نمایند. این احتمال نیز وجود دارد که به دلیل محدود بودن مدار مجریان عدالت و ایجاد آشنایی سریع بین اصحاب دعوا و مجریان مذکور در مواردی بین آنها تبانی صورت گرفته و زمینه‌های بروز فساد در این‌گونه محاکم بیشتر از محاکم عمومی فراهم گردد (Bruce Robertson, 2004: 34). از ایرادهای عمده دیگر، کاهش قدرت عمومیت‌نگری قضات این‌گونه محاکم است، هرچند موضوعات طرح شده نزد این‌گونه محاکم تخصصی می‌باشند، در بسیاری از موارد موضوعات مذکور جنبه‌های دیگری نیز دارند که بی‌توجهی یا عدم تبصر قاضی در آن جنبه‌ها ممکن است به اتخاذ تصمیمات غیرکارآمد و حل و فصل نشدن واقعی اختلاف منجر گردد (IBA:13).

این مسئله به ویژه در ارتباط با جنبه‌های تجاری موضوعات حقوق مالکیت معنوی می‌تواند مشکلاتی را به دنبال داشته باشد. دادگاه پتنت امریکا به‌رغم قدمت و سابقه خوبی که در حل اختلافات مربوط به موضوعات حق اختراع دارد، به دلیل توجه نکردن به جنبه‌های تجاری موضوعات طرح شده از سوی برخی حقوق‌دانان مورد ایراد قرار گرفته است، تا جایی که از نظر آنها محاکم عمومی در موضوعات مذکور بهتر می‌توانند جنبه‌های تجاری را مورد توجه قرار داده و در نظر گیرند (Jennifer Widner, 2000:5).

در بسیاری از موارد ممکن است، تخصص‌گرایی محض قضات منجر به ایجاد تداخل و اصطکاک بین موضوعات حوزه حقوق مالکیت معنوی با برخی دیگر از حوزه‌های حقوق بشود. مثلاً

در یک قرارداد مربوط به حق اختراع یا علائم تجاری علاوه بر مسائل حقوقی مربوط به موضوعات حقوق مالکیت معنوی مسائل حقوق قراردادهای نیز ممکن است مطرح گردد که عدم تبحر و توجه کافی قضای می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را برای اصحاب دعوا به دنبال داشته باشد. بر موارد فوق، مشکلات مربوط به دست‌یابی افراد از لحاظ بُعد جغرافیایی به محاکم مذکور را نیز باید اضافه نمود (Ibid:3).

البته با توجه به اهمیت ایجاد محاکم تخصصی و نقش بسیار چشمگیری که در رشد و توسعه تجارت و اقتصاد کشورها می‌توانند ایفا نمایند، می‌توان از بسیاری از ایرادهای فوق چشم‌پوشی و در جهت رفع آنها تلاش کرد.

۳. موانع ایجاد محاکم تخصصی

به‌رغم اهمیت غیرقابل انکار محاکم تخصصی، در حمایت از حقوق مالکیت معنوی و اجرای این‌گونه حقوق، ایجاد این‌گونه محاکم همواره با موانع جدی روبه‌رو بوده است. بسیاری از کشورها تمایل زیادی برای ایجاد محاکم مذکور دارند، اما در این مسیر با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌باشند. فقدان نیروی متخصص، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و بالا بودن هزینه آموزش و تربیت نیروی متخصص اعم از قضات و کارمندان اداری و اجرایی، یکی از موانع جدی در راه ایجاد محاکم تخصصی است. همین امر تاکنون یکی از علل عمده تمایل کشورها در ایجاد محاکم تجاری برای رسیدگی به کلیه دعاوی تجاری، از جمله دعاوی راجع به حقوق مالکیت معنوی به جای ایجاد محاکم تخصصی صرفاً دارای صلاحیت در خصوص دعاوی حقوق مالکیت معنوی بوده است.

فقدان ساختارهای حقوقی اساسی و زیربنایی به ویژه در کشورهای در حال توسعه، مانع جدی دیگر در این مسیر می‌باشد. رفع این مانع به راحتی و به سرعت امکان‌پذیر نیست. برای اصلاح این‌گونه ساختارها معمولاً وقوع تحولاتی عمیق و زیربنایی در نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی این‌گونه کشورها ضروری است که ممکن است سالیان سال طول کشیده و زمان ببرد.

به عنوان نمونه در کشور چین از سال ۱۹۸۱ تلاش‌های جدی برای دسترسی دارندگان حقوق مالکیت معنوی به حمایت‌های قضایی مؤثر آغاز گردید. اما به‌رغم موفقیت‌آمیز بودن این تلاش‌ها در برخی زمینه‌ها، در مورد امکان تجدید نظر قضایی از تصمیمات اداری مربوط به حقوق مالکیت معنوی، این امکان تا سال ۲۰۰۲ به دلیل عدم پیش‌بینی ساختار حقوقی ضروری در قوانین اداری چین، فراهم نگردید (Chief Judge Lu Guoqiang, 2002:7).

فقدان مجموعه قوانین کامل، منسجم و به روز در حوزه حقوق مالکیت معنوی از جمله موانع دیگر است که باعث می‌گردد محاکم تخصصی یا اساساً ایجاد نشده یا در صورت ایجاد با شکست روبه‌رو گردند. به ویژه در مواردی که این‌گونه محاکم دارای صلاحیت گسترده بوده و بخواهند اختلافات فراملی را نیز حل نمایند (IBA, 2005:12).

در کشور تایلند با وجود آن‌که از سال ۱۹۹۷ دادگاه تخصصی حقوق مالکیت معنوی ایجاد گردیده و از این حیث تایلند یکی از کشورهای پیشرو محسوب می‌گردد، اما بنا به اذعان قضات دادگاه تخصصی مذکور به دلیل فقدان قوانین پیشرفته و ضعف حقوق مالکیت معنوی در این کشور، ایجاد محاکم مذکور دستاورد قابل توجهی نداشته است.^۱

اصولاً با توجه به آن‌که فرایند حل و فصل دعاوی ذاتاً مشروط به وجود قوانین ماهوی است، ایجاد آن بدون وجود قوانین مذکور کاری عبث و بیهوده می‌باشد. هر چند با رشد و توسعه فرایند قانون سازی در حوزه حقوق مالکیت معنوی، شکل‌گیری نظام حقوقی بین‌المللی هدایتگر، به ویژه الزامات پیش‌بینی شده تریپس برای نظام‌های ملی تا حدود زیادی خلأ قوانین ماهوی در نظام‌های ملی رفع گردیده است، اما هنوز زمینه‌های خالی در این عرصه بسیار زیاد می‌باشد و قطعاً پر کردن این زمینه‌ها زمان زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. یکی از دلایل عمده‌ای که تریپس به‌رغم الزام کشورهای عضو به پیش‌بینی و تضمین حمایت‌های قضایی ملی، آنها را ملزم به ایجاد محاکم تخصصی حقوق مالکیت معنوی نکرده است، همین موضوع می‌باشد.

۴. انواع محاکم تخصصی

عواملی همانند رویه‌ها و عرف‌های محلی، نوع پرونده‌ها، شمار قضات متخصص، مسائل بودجه‌ای، آیین‌های دادرسی و میزان توسعه یافتگی نظام‌های ملی حقوق مالکیت معنوی باعث گردیده است تا انواع مختلفی از محاکمی که به موضوعات حقوق مالکیت معنوی را به طور تخصصی رسیدگی می‌کنند، ایجاد گردد. اصولاً حوزه‌های قضایی را از نظر نحوه رسیدگی تخصصی به اختلافات حقوق مالکیت معنوی به دسته‌های مختلف می‌توان تقسیم نمود.

بهترین دسته‌بندی در این مورد، دسته‌بندی‌ای است که به وسیله اتحادیه بین‌المللی وکلای طری گزارش مربوط به بررسی وضعیت محاکم تخصصی مالکیت معنوی در سطح جهان، ارائه شده است (IBA:8).

1- The Expectation of IP Disputes Database1, by, Judge of the Central IP&IT Court, Bangkok Thailand. This summary paper is prepared for a Symposium "IP Enforcement in Asia" held on Monday, 22nd, March 2004 at International Conference Center of Waseda University, Tokyo.

اتحادیه مذکور در گزارش خود، محاکم تخصصی را به دسته‌های زیر تقسیم‌بندی نموده است: دسته اول: حوزه‌هایی که دارای محاکم تخصصی توسعه یافته با صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به اختلافات حقوق مالکیت معنوی می‌باشند.

دسته دوم: حوزه‌هایی که در محاکم عمومی خود شعب تخصصی ایجاد نموده یا قضاتی متخصص و خبره در موضوعات مربوط به حقوق مالکیت معنوی را به کار گرفته‌اند تا پرونده‌های مالکیت معنوی را رسیدگی نمایند.

دسته سوم: حوزه‌هایی که در مرحله بدوی دادگاه تخصصی ایجاد ننموده‌اند، اما دارای محاکم استینافی می‌باشند که صلاحیت انحصاری بررسی پرونده‌های مالکیت معنوی را دارند.

البته از نظر برخی حقوق‌دانان این‌گونه محاکم نه تنها کمک جدی به دارندگان حقوق مالکیت معنوی نمی‌کنند، بلکه عمدتاً موجب تحمیل هزینه و اتلاف وقت بیشتری از آنها می‌گردند. به دلیل این‌که آنها معمولاً تصمیماتی را که به وسیله محاکم عمومی اتخاذ شده‌است را مورد بررسی شکلی قرار داده و رسیدگی تخصصی ماهوی انجام نمی‌دهند. اگر محاکم مذکور بخواهند وارد رسیدگی ماهوی به طور کامل بشوند، در واقع به این معنا است که اصحاب دعوا مرحله بدوی را بیهوده طی کرده و باید مجدداً با صرف وقت و هزینه مرحله رسیدگی تخصصی را طی نمایند (Quinn emanuel urquhart oliver & hedges).

حتی در برخی از کشورها رسیدگی بدوی به دعاوی حقوق مالکیت معنوی در صلاحیت مراجع اداری است و تصمیمات اتخاذ شده به وسیله مراجع مذکور در یک دادگاه تخصصی می‌تواند مورد استیناف قرار گیرد. از جمله این‌گونه کشورها می‌توان از استرالیا نام برد. در این کشور رسیدگی به دعاوی مربوط به علائم تجاری، حق اختراع و طرح‌ها، بر عهده اداره ثبت آنها است، اما تصمیمات اداره مذکور نزد دادگاه تخصصی فدرال قابل استیناف است (Ibid:4).

دسته چهارم: حوزه‌هایی که در مرحله بدوی و استینافی شعبی را به بررسی پرونده‌های تجاری اختصاص داده‌اند که علاوه بر رسیدگی به دیگر اختلافات تجاری، اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی را نیز مورد رسیدگی قرار می‌دهند.

دسته پنجم: حوزه‌هایی که در سیستم قضایی خود محاکمی را برای رسیدگی به پرونده‌های مالکیت معنوی، ایجاد نموده‌اند، اما این محاکم همانند محاکم حوزه‌های دسته اول، تخصصی و توسعه یافته نمی‌باشند.

دسته ششم: حوزه‌هایی که برای برخی از دعاوی مالکیت معنوی دادگاه تخصصی ایجاد کرده‌اند. از جمله می‌توان از کشور آلمان نام برد. در این کشور برای رسیدگی به دعاوی مربوط به اختراعات،

دادگاه ویژه ایجاد گردیده است. در دادگاه تخصصی فدرال، دعاوی گوناگون مربوط به اختراعات از جمله دعاوی مربوط به بطلان و بی‌اعتباری آنها مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. تصمیمات اتخاذ شده در دعاوی اخیر نزد دادگاه عالی فدرال که غیر تخصصی است قابل استیناف می‌باشد (Ibid).

استیناف از تصمیمات دادگاه تخصصی نزد دادگاه عمومی نیز از جهات زیادی قابل ایراد است. محاکم استینافی عمومی، با توجه به عدم اطلاعات تخصصی قادر به رسیدگی ماهوی دقیق در این‌گونه پرونده‌ها نمی‌باشند. از سوی دیگر صرف رسیدگی شکلی ممکن است در بسیاری از موارد موجب تضییع حقوق اصحاب دعوا گردد. بنابراین حداقل باید در این‌گونه محاکم از نظرات کارشناسان متخصص استفاده شود.

دسته هفتم: حوزه‌هایی که دارای توان بالقوه ایجاد محاکم تخصصی می‌باشند و در شرف ایجاد محاکم مذکور هستند.

دسته‌بندی‌های دیگری هم از محاکم تخصصی مالکیت معنوی وجود داشته و می‌توان ارائه داد. اما نکته قابل توجه و مهم در این ارتباط این است که بین محاکم مذکور در حوزه‌های قضایی متفاوت، هیچ فرق ماهوی اساسی وجود ندارد.

البته منظور قانون ماهوی حاکم در این محاکم نمی‌باشد، بلکه فرایندها و آیین‌هایی است که بر اساس آنها اختلافات حل می‌گردد.

تفاوت‌های موجود بین محاکم مذکور اصولاً از نوع تفاوت‌های شکلی و تشریفاتی است. یادآوری این نکته از این جهت اهمیت دارد که می‌توان کشورها را با تشویق به استفاده از الگوها و رویه‌های متحد‌الشکل و یکسان، به تدریج به سمت حذف و کم رنگ کردن این تفاوت‌ها سوق داد. هرچند تحقق این هدف در مورد قوانین ماهوی نیز ممکن بوده و در زمینه‌های مختلفی نیز محقق گردیده است، اما رسیدن به هدف مذکور در مورد آیین‌های رسیدگی، راحت‌تر قابل دستیابی است. در کشور ایران تاکنون قوانین مختلفی در مورد موضوعات گوناگون حقوق مالکیت معنوی وضع گردیده است. همانند قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ که تا قبل از تصویب آن تخلفات مربوط به حق مؤلف براساس مواد ۲۴۵-۲۴۸ قانون جزای عمومی سال ۱۳۱۰ تحت عنوان دسیسه و تقلب در کسب و تجارت مورد رسیدگی قرار می‌گرفت و پس از تصویب قانون مذکور مواد مذکور نسخ گردید. همین‌طور قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای که مشتمل بر ۱۷ ماده بوده و در دی ماه ۱۳۷۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. به موجب این قانون ضمانت اجراهای کیفری و مدنی برای جلوگیری از نقض حقوق پدیدآورندگان این آثار مقرر گردیده است که می‌تواند در جهت حمایت از دارندگان حقوق مذکور بسیار مؤثر باشد.

از قانون تجارت الکترونیک که در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید^۱، نیز باید به عنوان اقدامی موثر در جهت توسعه دامنه حمایت از حقوق مالکیت معنوی در ایران نام برد.

از ویژگی‌های جالب قانون مذکور این است که به موضوعات جدیدی در حوزه حقوق مالکیت معنوی در ایران، همانند حقوق مصرف‌کنندگان، تبلیغ و اطلاع‌رسانی، حمایت از داده‌ها، حمایت از اسرار تجاری، علائم تجاری و اسامی دامنه توجه نموده است (ماده ۶۶).

این قانون از جهت این‌که به مسئله جلوگیری و مجازات ناقضان حقوق مورد حمایت پرداخته است، قابل توجه است. به عنوان مثال در این قانون برای اولین بار در نظام حقوقی کشور ایران جرائم کلاهبرداری و جعل کامپیوتری مورد توجه مقنن قرار گرفته و مجازات‌هایی همانند جزای نقدی و حبس برای آنها در نظر گرفته شده است (مواد ۶۷ و ۶۸). در سایر موارد نیز به تفکیک مجازات‌ها و راه‌هایی برای جبران خسارت وارده پیش‌بینی شده است.

اما متأسفانه در هیچ یک از قوانین برشمرده شده به روش حل و فصل دعاوی مربوط به موضوعات حقوق مالکیت معنوی اشاره‌ای نشده و این موضوع به همان قوانین جاری آیین دادرسی مدنی و کیفری واگذار شده است. حتی در قانون تجارت الکترونیک که بالتبع موضوعاتی همانند جرائم کامپیوتری از جمله تخلفات اینترنتی و تخلفات مربوط به اسامی دامنه را پوشش می‌دهد نیز به موضوعات خاص این‌گونه جرائم از جمله صلاحیت محاکم و تشخیص دادگاه صالح، اشاره‌ای نشده و موضوع به همان قوانین عام و غیر تخصصی واگذار شده است که بدون تردید ابهامات و دشواری‌های زیادی را به دنبال دارد.

صرف‌نظر از قوانین تخصصی حوزه حقوق مالکیت معنوی، در قوانین عمومی باید به عنوان تنها مستند قانونی در ارتباط با نحوه حل و فصل دعاوی حقوق مالکیت معنوی به ماده ۴ آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۸۱) اشاره کرد. به موجب ماده مذکور به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضائیه، شعب دادگاه‌های عمومی حقوقی و عمومی جزایی و دادسرا در هر حوزه قضایی به تناسب امکانات و ضرورت، جهت انجام تحقیقات و رسیدگی به جرایم و دعاوی خاص از جمله دعاوی ثبتی، مالکیت‌های معنوی و صنعتی تخصیص می‌یابند. بر همین اساس شعبه سوم دادگاه عمومی تهران برای رسیدگی به دعاوی مربوط به حقوق مالکیت معنوی به عنوان یک شعبه تخصصی برگزیده شده است (پور نوری، ۱۳۸۳).

از بررسی رویه شعبه سوم دادگاه عمومی تهران از بدو شروع به کار تاکنون به نظر می‌رسد کار تخصصی این شعبه رسیدگی به دعاوی مربوط به اختراعات و علائم تجاری بوده است و در مواردی

۱- روزنامه رسمی شماره ۱۷۱۶۷ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۱. تاریخ تصویب ۱۳۸۲/۱۰/۲۹.

دیگر یا اساساً دعوایی طرح نشده یا صرفاً به چند مورد محدود می‌گردد و مثلاً در مورد جرائم کامپیوتری یا تخلفات مربوط به اسامی دامنه تاکنون حتی یک مورد هم نزد دادگاه مذکور پرونده‌ای مطرح نشده است، لذا عملاً فعالیت شعبه تخصصی مالکیت معنوی به دعاوی مربوط به علائم تجاری محدود گردیده و از نظر موضوعی رویه و قلمرو وسیعی را شامل نمی‌شود.

محدود بودن عملکرد و رویه شعبه مذکور ناشی از علل گوناگونی است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین این علل فقدان قوانین ماهوی غنی و پیشرفته در موضوعات مختلف مالکیت معنوی در ایران می‌باشد. در ایران تا سال ۱۳۸۲ که قانون مربوط به تجارت الکترونیک تصویب گردید، هیچ‌گونه قانونی در مورد موضوعاتی همانند حقوق مصرف‌کنندگان، داده‌های کامپیوتری، اسامی دامنه و برخی موضوعات نسبتاً جدید دیگر وجود نداشت. اگرچه تصویب قانون تجارت الکترونیک تا حدودی توانسته است خلأ قانونی را در موضوعات مذکور پر کند، به دلیل ناقص بودن و در برخی موارد کلی‌گویی قانون مذکور، هنوز نمی‌توان در این‌گونه موضوعات از نظام قانونی کامل و چندان مفیدی سخن به میان آورد.

به عنوان نمونه ماده ۶۶ قانون تجارت الکترونیک در حمایت از علائم تجاری مقرر می‌کند که «استفاده از علائم تجاری به صورت نام دامنه و با هر نوع نمایش بر خط علائم تجاری که موجب فریب یا مشتبه شدن طرف به اصالت کالا یا خدمات شود، ممنوع و متخلف به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید.» ماده مذکور به طور کلی استفاده از علائم تجاری را به عنوان یک نام دامنه ممنوع اعلام کرده و آن را موجب مجازات استفاده‌کننده تلقی کرده است. در حالی که به شرایط اساسی که معمولاً در اسناد بین‌المللی و رویه مراجع بین‌المللی وجود دارد، هیچ‌گونه اشاره‌ای نکرده است.^۱

مطمئناً این سوال از خواندن ماده ۶۶ به ذهن می‌رسد که آیا این ماده به دنبال وضع یک حکم مطلق و بدون قید و شرط بوده است؟ مسلماً در این صورت ماده مذکور بدعتی جدید و غیرمعقول در استفاده از علائم تجاری به عنوان یک نام دامنه گذاشته است. در صورتی که پاسخ منفی باشد، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا شرایط مورد نظر مقنن همان شرایط معمول در اسناد و رویه‌های

۱- در رویه مراجع بین‌المللی همانند مرکز داوری و میانجیگری وایپو و اسناد مختلف مربوط به اسامی دامنه، همواره بر وجود سه شرط اساسی در مورد ثبت متخلفانه علائم تجاری به عنوان یک نام دامنه تأکید شده است. شرایط مذکور عبارتند از:

۱. نام دامنه ثبت شده به وسیله خواننده باید همان نام دامنه یا مشابه نام دامنه‌ای باشد که شاکی نسبت به آن دارای حق اولویت است.

۲. خواننده هیچ‌گونه حق یا منافع مشروعی نسبت به نام دامنه نداشته باشد.

۳. نام دامنه ثبت شده به وسیله خواننده باید توأم با سوء نیت ثبت شده و مورد سوء استفاده قرار گرفته باشد

(Kan Maerch, 2001: 2).

بین‌المللی است یا شرایط دیگری نیز از نظر مقنن لازم و ضروری می‌باشد؟ در سایر موارد به ویژه مواردی همانند جعل و کلاهبرداری کامپیوتری نیز ابهام‌های زیادی وجود دارد. به عنوان نمونه مشخص نیست که آیا مقنن طی مواد ۶۷ و ۶۸ به دنبال الهام از مفهوم جرم جعل و کلاهبرداری در مفهومی که در قانون مجازات اسلامی آمده است، می‌باشد یا به دنبال تبیین مفهوم خاصی از جرم جعل و کلاهبرداری کامپیوتری است؟ در صورتی که مفهوم اول مورد نظر مقنن باشد (از مفهوم و منطوق مواد مذکور نیز همین امر استنباط می‌گردد) چگونه باید عناصر اختصاصی جرائم مذکور را در حوزه تخلفات کامپیوتری احراز نمود و آیا صرف ارجاعات کلی به مفهوم جرائم جعل و کلاهبرداری در حوزه تخلفات کامپیوتری که ویژگی‌های فنی و تکنیکی خاصی دارند، کافی است و می‌تواند زمینه لازم برای محاکمه و مجازات تمام متخلفین این‌گونه موضوعات را فراهم سازد؟ در صورتی که گفته شود مفهوم دوم مورد نظر مقنن بوده است، باز هم این ایراد وارد است که مقنن در تحقق این مفهوم ناتوان عمل کرده و جز بیان مفاهیم کلی جرم جعل و کلاهبرداری، دستاورد دیگری نداشته است.

از جمله علل دیگری که می‌توان برای محدود بودن رویه شعبه تخصصی مالکیت معنوی در ایران بیان کرد، عدم رشد و توسعه موضوعی بسیاری از شاخه‌های حقوق مالکیت معنوی در ایران است که خود علل گوناگونی دارد. به عنوان نمونه تاکنون در نظام حقوقی و رویه مراجع قضایی کشور ایران موضوعاتی همانند اسرار حرفه‌ای، شهرت تجاری و حقوق اینترنتی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. حتی در موضوعاتی همانند کپی‌رایت که از قدمت زیادی برخوردار بوده و قوانین نسبتاً جامعی در مورد آن تصویب شده است، واقعیت این است که در عمل و رویه چندان مورد توجه و رعایت قرار نگرفته است، به حدی که عدم رعایت آنها در جامعه امری معمول و جا افتاده محسوب می‌گردد.

۵. قلمرو صلاحیتی محاکم تخصصی

از مباحث بسیار مهمی که در مورد محاکم تخصصی مطرح می‌باشد و ابهامات زیادی در مورد آن وجود دارد، مسئله تشخیص صلاحیت این محاکم به ویژه در مواردی است که دعاوی مالکیت معنوی با دعاوی غیر تخصصی همراه می‌باشد.

در موارد زیادی دعاوی مربوط به حقوق مالکیت معنوی در کنار دیگر دعاوی مطرح می‌گردد. مثلاً در دعاوی مربوط به فروش سرمایه یک شرکت ممکن است ارزش سرمایه‌های معنوی آن نیز مطرح گردد یا همین‌طور دعاوی مربوط به سوء استفاده از حق اختراع یا عدم اعتبار یک اختراع و یا در موردی که در دعاوی مربوط به حقوق کپی‌رایت یک دعاوی رقابت غیرمنصفانه نیز مطرح

می‌گردد. مشکل بزرگی که در این‌گونه موارد ایجاد می‌شود این است که این نوع دعاوی را باید در صلاحیت کدامیک از محاکم تخصصی یا محاکم عمومی دانست؟

بدون تردید برای یافتن پاسخی برای این‌گونه مسائل باید به قوانین ملی هر کشور که به موجب آن قلمرو صلاحیت موضوعی محاکم تخصصی مشخص می‌گردد مراجعه نمود، اما با توجه به رویه قضایی در کشورهای مختلف و نیز مواضع بین‌المللی اتخاذ شده در برخی از اسناد مرتبط، به نظر می‌رسد بتوان رویه غالب در این‌گونه موارد را مشخص نمود.

غالب مواردی را که موضوعات حقوق مالکیت معنوی با دیگر موضوعات آمیخته شده و حالتی ترکیبی به دعاوی مطروحه می‌دهد می‌توان به دو حالت عمده تقسیم نمود: یک مورد زمانی است که دعاوی اصلی راجع به یک موضوع تخصصی مالکیت معنوی است، اما در کنار آن دعاوی در مورد یک یا چند موضوع غیرتخصصی نیز مطرح گردیده است. همانند زمانی که دعاوی اصلی راجع به تخلفات مربوط به حقوق کپی‌رایت یک برنامه کامپیوتری است، ولی در کنار آن دعاوی نیز در مورد رقابت غیرمنصفانه در مورد استفاده از برنامه مذکور مطرح گردیده است.

مورد دیگر زمانی است که دعاوی اصلی در مورد یک موضوع غیر تخصصی است، اما در کنار آن دعاوی راجع به یک موضوع مربوط به حقوق مالکیت معنوی هم مطرح می‌گردد. مثلاً زمانی که دعاوی در مورد فروش سرمایه‌های یک شرکت تجاری مطرح شده، درون دعاوی مذکور دعاوی مربوط به ارزش سرمایه‌های مالکیت معنوی شرکت مذکور نیز مطرح می‌شود.

در مورد دعاوی از نوع اول، در این‌که دعاوی اصلی باید به وسیله محاکم تخصصی حل و فصل گردد و در صلاحیت موضوعی آنها هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. در مورد دعاوی فرعی مرتبط نیز باید حالت‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد و باید با در نظر گرفتن این‌که آیا امکان تفکیک دعاوی و ارجاع دعاوی فرعی به محاکم عمومی وجود دارد یا خیر؟ رسیدگی در دعاوی فرعی تا چه حد بر جریان دعاوی اصلی تأثیر دارد؟ آیا تفکیک دعاوی بر حقوق اساسی اصحاب دعاوی تأثیر سوئی دارد یا خیر؟ در مورد تفکیک دعاوی فرعی و ارجاع آن به محاکم مربوطه تصمیم‌گیری نمود.

رویه قضایی در برخی از کشورها تمایل به عدم توجه به مباحث فوق و تسری صلاحیت محاکم تخصصی به دعاوی فرعی دارد. از نظر کشورهای مذکور مسئله مهمی که در این‌گونه دعاوی باید مورد توجه قرار گیرد، اثبات و احراز خط ارتباط بین دعاوی فرعی با دعاوی اصلی است.

در رویه قضایی امریکا از این روش تبعیت شده است. در پرونده Hum v. Oursler دادگاه فدرال امریکا در جریان رسیدگی به دعاوی مربوط به تخلف از حقوق کپی‌رایت، به دعاوی رقابت غیر منصفانه در جریان استفاده غیر مجاز از حقوق کپی‌رایت نیز رسیدگی کرده و اظهار داشته است که منشأ هر دو دعاوی در

واقع یک امر بوده و این دو دعوا از یکدیگر مجزا نمی‌باشند (Rochelle C. Dreyfuss:29). در برخی موارد، رسیدگی به دعوای فرعی نه تنها پذیرفته شده است، بلکه به عنوان یک موضوع تکمیلی برای رسیدگی هرچه بهتر به دعوای اصلی محسوب گردیده است. در جریان پرونده Nilssen v. Motorola دادگاه فدرال امریکا نظر داده است که دعوای مربوط به تجارت پنهانی در جریان یک دعوای مربوط به حق اختراع، باید مکمل دعوای اصلی تلقی شود تا امکان رسیدگی و حل عادلانه‌تر دعوا فراهم گردید و از بین رفتن منابع قضایی دعوا و صدور نتایج متناقض جلوگیری به عمل آید (Ibid).

این رویه با مواضع اتخاذ شده در کنوانسیون بورکسل و نیز پیش نویس تهیه شده در مورد صلاحیت، شناسایی و اجرای آرای خارجی در مورد دعوای مالکیت معنوی^۱، هماهنگ است (ماده ۹ پیش نویس).

در مورد دعوای دسته دوم که دعوای اصلی مربوط به مالکیت معنوی نمی‌باشد، رویه قضایی در برخی از کشورها حاکی از عدم صلاحیت محاکم تخصصی در مورد پذیرش و رسیدگی به آنها است. در قضیه American Well Works Co. v. Layne & Bowler Co. دادگاه فدرال امریکا نظر داده است که علت اصلی دعوا باید به موجب قانون حاکم بر حقوق مالکیت معنوی ایجاد گردیده باشد و در مواردی که علت اصلی دعوا خارج از حقوق مالکیت معنوی است، نمی‌توان دادگاه را در مورد آن صالح دانست (Ibid).

البته در برخی از کشورها با تفسیر موسع از صلاحیت محاکم تخصصی، دعوای از نوع دوم را نیز در صلاحیت محاکم مذکور قرار داده‌اند. کشور ژاپن از این دسته کشورها است که هر دعوایی را که به نوعی به حقوق مالکیت معنوی مرتبط باشد در صلاحیت مراجع تخصصی مالکیت معنوی قرار داده است.^۲ در این کشور دادگاه عالی استیناف که بخشی از دادگاه استیناف توکیو بوده و تخصص رسیدگی به دعوای مالکیت معنوی را دارد به تقاضای استیناف مربوط به تمام دعوای که به گونه‌ای با حقوق مالکیت معنوی ارتباط دارند اعم از کیفری، مدنی و اداری رسیدگی می‌کند (Katsumi Shinohara, 2005:24).

به نظر می‌رسد ارائه تفسیری بسیار مضیق از صلاحیت محاکم تخصصی مالکیت معنوی چندان قابل توجیه نبوده و ممکن است پیامدهای نامطلوبی را به دنبال داشته باشد. با توجه به آن که محاکم تخصصی خود با محدودیت‌های موضوعی زیادی روبه‌رو می‌باشند، تفسیر بسیار مضیق صلاحیت آنها موجب خدشه‌دار شدن وصف جامعیت آنها می‌گردد؛ به ویژه در مواردی که محاکم مذکور صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های بین‌المللی را نیز داشته و محل اجرای آرای صادره در خارج از قلمروی دادگاه قرار گرفته باشد.

1- "Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgments in Intellectual Property Matters"
2- Article 6(3) of the Code of Civil Procedure amended in 2003 and implemented on April 1, 2004).

در اسناد بین‌المللی نیز سعی گردیده از این دیدگاه مضیق تبعیت نشود. به عنوان نمونه در پیش نویس تهیه شده برای صلاحیت، شناسایی و اجرای آرای خارجی در موضوعات حقوق مالکیت معنوی، برخلاف رویه برخی از کشورها در این مورد، سعی گردیده از صلاحیت محاکم تفسیر موسعی ارائه گردید و بنا بر حل اختلافات مربوط به حقوق مالکیت معنوی گذاشته شده است (Dreyfuss:22).

دستور موقت و صلاحیت محاکم تخصصی برای صدور آن در دعاوی مربوط به حقوق مالکیت معنوی نیز از مباحث محل اختلاف است. علت اختلافی بودن این موضوع به این واقعیت بر می‌گردد که در برخی از موضوعات حقوق مالکیت معنوی، دستور موقت دارای آثار در خارج از حوزه دادگاه صادر کننده دستور موقت نیز می‌باشد.

کشورها در این مورد مواضع متفاوتی دارند. در کشورهایی مثل اتریش و هلند محاکم در دعاوی مالکیت معنوی به راحتی دستور موقت صادر می‌کنند. حتی در اتریش برای این منظور اثبات فوریت امر هم لازم نیست. در حالی که در فرانسه محاکم مالکیت معنوی صرفاً در موارد بسیار شفاف و فوری دستور موقت صادر می‌نمایند (Simmons & Simmons:6).

مشکلات مربوط به دستور موقت و صلاحیت محاکم در این مورد به ویژه در مواردی که موضوع در خارج از قلمروی کشور محل طرح دعوا قرار گرفته است، بسیار جدی‌تر می‌باشد. برخی کشورها به طور جدی در این موارد از صدور دستور موقت خودداری می‌کنند که از آن جمله می‌توان از کشور انگلستان نام برد.

در مجموع با توجه به عمر کوتاه بیشتر محاکم تخصصی در حوزه حقوق مالکیت معنوی، هنوز در بسیاری از موضوعات اختلافی مربوط به صلاحیت آنها، رویه غالب و متحدالشکلی میان کشورها ایجاد نشده است و مسلماً برای روشن شدن پاسخ بسیاری از ابهام‌ها و سؤالات در این مورد، گذشت زمان بیشتری لازم است.

۶. شرایط ضروری برای ایجاد محاکم تخصصی

همان‌طور که قبلاً گفته شد، یکی از مشکلات عمده در فرایند حل و فصل دعاوی حقوق مالکیت معنوی، این است که قضات در کشورهای مختلف حتی بعضاً کشورهای توسعه یافته، دانش و اطلاعات کافی و به روزی در مورد موضوعات حقوق مالکیت معنوی ندارند. قوانین دقیق، شفاف و جامعی وجود ندارد و اساساً فضای حاکم بر حوزه حقوق مالکیت معنوی فضای نامناسب و بدور از پیشرفت‌های روز جهان است. در بیشتر نظام‌های حقوقی ملی، استانداردهای مشترک بین‌المللی رعایت نشده و در واقع نظامی مجرد از تفکر جهانی بر حوزه مالکیت معنوی حاکم گردیده است.

نتیجه چنین وضعیتی چیزی جز فقر، محرومیت و انزوای جوامع ملی نیست.

بی‌تردید محاکم تخصصی نه تنها نقش بسیار مؤثری در حمایت از حقوق مالکیت معنوی ایفا می‌نمایند، بلکه اساساً یک ضرورت غیر قابل انکار می‌باشند. نکته بسیار مهمی که نباید از آن غافل گردید این است که محاکم مذکور شرط لازم حمایت مؤثر هستند، اما شرط کافی نمی‌باشند. آنها به منزله سقف حمایتی می‌باشند که خود نیاز به ستون‌های محکم دارند و گرنه به راحتی فرو می‌ریزند. در برخی از کشورها اگر چه دادگاه تخصصی ایجاد گردیده است، بنا به علل گوناگون نتیجه چندان مثبتی از ایجاد آنها به دست نیامده است.

در بسیاری از کشورهایی که دادگاه تخصصی دارند، مشکل پایین بودن اطلاعات بخوبی مشاهده می‌شود. یا محاکم تخصصی به دلیل آن‌که استقلال عمل لازم را در مقابل دولت ندارند، نمی‌توانند به طور مؤثر از منافع بخش خصوصی در مقابل بخش عمومی دفاع کرده و بنابراین عامل مؤثری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی تلقی نمی‌شوند. یا اساساً قوانین ماهوی دقیق، شفاف و پیشرفته‌ای برای اجرا به وسیله محاکم مذکور وجود ندارد و بسیار موانع دیگر.

به عنوان نمونه در کشور چین به‌رغم ایجاد دادگاه تخصصی و فعالیت آن، دستاورد قابل ملاحظه‌ای به دست نیامده است. کشور چین از جمله کشورهایی است که تخلفات حقوق مالکیت معنوی در آن دارای آمار بالایی است، به ویژه تخلفات اینترنتی و سوء استفاده از علائم تجاری. هر چند این کشور در راستای تعهدات ناشی از موافقتنامه تریپس در خصوص حمایت قضایی از دارندگان حقوق مالکیت معنوی محاکم اختصاصی و مراجع اداری ویژه‌ای ایجاد کرده است، اما آمار تخلفات در این کشور کاهش نیافته و دادگاه‌های مذکور نقش مؤثری را از این جهت ایفا نکرده‌اند. (Michael Fysh QC, 2003:2).

در کشور تایلند نیز به نظر می‌رسد هر چند ایجاد دادگاه تخصصی مالکیت معنوی و تجارت^۱، به عنوان تلاشی مؤثر جهت حمایت از مالکیت معنوی تلقی می‌گردد، این تلاش چندان توأم با موفقیت نبوده است.

در تایلند، تلاش‌های جدی برای ریشه کن کردن دزدی برخی از برنامه‌های کامپیوتری، موزیک و عکس صورت گرفته است، اما هنوز تخلفات در زمینه‌های مختلف به شدت ارتکاب می‌یابد. مثلاً اخیراً در این کشور در خصوص تخلفات مربوط به حق پتنت داروها، سر و صدای زیادی ایجاد گردید. عملکرد محاکم تخصصی تأثیر جدی در پیشگیری از ارتکاب تخلفات نداشته است.

1- The Thailand Intellectual Property and International Trade (IP& IT Court).

در این کشور عمده‌ترین علل عدم موفقیت محاکم تخصصی را در ضعف حمایت‌های قانونی و فقدان پیش‌بینی ضمانت اجراهای مؤثر باید دانست (301 Report executive summary, 2005:34). این مشکلات فقط مختص به جوامع در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته نمی‌باشد، بلکه در کشورهای توسعه یافته نیز دیده می‌شود. به عنوان نمونه در ژاپن نیز که یک کشور پیشرفته است، محاکم تخصصی مالکیت معنوی با مشکلات زیادی روبه‌رو شده است. عمده‌ترین مشکل محاکم مذکور در این کشور عدم تخصص و آگاهی بالای قضات و پرسنل است. به همین دلیل بلافاصله پس از ایجاد دادگاه عالی تخصصی در سال ۲۰۰۵ به عنوان اولین اقدام مؤثر، آموزش قضات و پرسنل در سطح بسیار گسترده‌ای آغاز گردید (Katsumi Shinohara).

صرف‌نظر از مشکلات مذکور که شاید عمده‌تأ بتوان آنها را مختص کشورهای کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه تلقی نمود که با پیشرفت و توسعه تا حدود زیادی قابل رفع می‌باشند، این واقعیت را باید مورد توجه جدی قرار داد که اساساً محاکم تخصصی با ایرادهایی همانند عدم توجه به منافع گروه‌ها و افرادی که ممکن است به طور غیرمستقیم در دعوی طرح شده ذینفع باشند (همانند منافع مصرف‌کنندگان کالاها یا به دنبال یک اختراع، تولید و مصرف می‌گردند، به ویژه کالاها یا ضروری همانند کالاها یا که با سلامت و بهداشت عمومی افراد جامعه در ارتباط می‌باشند) و نگرش تک بعدی به موضوعات مورد اختلاف و عدم توجه به سایر جنبه‌های آنها روبه‌رو می‌باشند. این‌گونه ایرادها اگر اساساً قابل رفع نباشد، حداقل به راحتی و با سرعت قابل رفع نمی‌باشد.

برای رفع و کاهش هر چه بیشتر معایب محاکم تخصصی کشورها نباید در فرایند ایجاد محاکم مذکور بدون ارزیابی و فراهم بودن شرایط لازم به ایجاد آنها اقدام نمایند. شاید به دلیل اشتیاق و آفری که در این زمینه به ویژه در سال‌های اخیر بعضاً در میان کشورها دیده می‌شود و مزایایی که این شیوه حل و فصل اختلافات در بر دارد، باعث شود تا در مواردی بدون فراهم بودن بستر مناسب، این‌گونه مراجع ایجاد گردیده و نهایتاً پیامدهای منفی را به کشورها و در واقع به حوزه حقوق مالکیت معنوی وارد سازد.

از این‌رو برای جلوگیری از عواقب نامطلوب، باید قبل از ایجاد محاکم تخصصی به مسائلی همانند مسائل زیر توجه شود: آیا حجم موجود یا بالقوه دعاوی، ایجاد یک دادگاه تخصصی را توجیه می‌نماید یا خیر؟ آیا دادگاه تخصصی می‌تواند موجب ایجاد رویه‌های واحدی در عرصه دعاوی مالکیت معنوی گردد؟ آیا گسترده جغرافیایی محاکم مذکور مانعی برای طرح دعاوی مالکیت معنوی نمی‌باشد؟ آیا هزینه‌ها در حد متعارفی است که برای کشورها و اصحاب دعوا قابل تحمل باشد؟ آیا ایجاد محاکم تخصصی مناسب‌تر است یا اختصاص شعبی از همان محاکم عمومی برای رسیدگی به

دعاوی مالکیت معنوی؟ و در مجموع آیا ایجاد هرگونه مرجعی جدای از محاکم عمومی در حمایت از دارندگان حقوق مالکیت معنوی و تضمین هرچه بیشتر حقوق آنها و اجرای هرچه گسترده‌تر عدالت مؤثر می‌باشد یا خیر؟

باید نظام‌های ملی این نکته را به خوبی درک نمایند که اگر مالکان حقوق مالکیت معنوی نتوانند حقوقشان را در یک شیوه سریع و مؤثر و با نتایج قابل پیش‌بینی اجرا کنند، سود و فایده‌شان برای جامعه به طور جدی تحلیل رفته و از بین خواهد رفت.

به عبارت دیگر، ضرورت ایجاد مکانیزم‌های مؤثر در حوزه حقوق مالکیت معنوی باید به خوبی احساس شود در غیر این صورت همان‌طور که برخی از قضات دادگاه تخصصی تأیید به عنوان یک ضعف و عامل عدم موفقیت دادگاه تخصصی این کشور برشمرده شده‌اند، ایجاد مکانیزم‌های تخصصی نه تنها توأم با موفقیت نیست، بلکه ممکن است، پیامدهای منفی زیادی هم به دنبال داشته باشد.

نتیجه‌گیری

به دنبال شکل‌گیری تفکر هماهنگ‌سازی قوانین مالکیت معنوی، اندیشه ایجاد آیین‌ها و فرایندهای هماهنگ حل و فصل دعاوی برای اجرای هر چه مؤثرتر حمایت‌های قانونی از صاحبان حقوق مالکیت معنوی نیز ایجاد گردید. ایجاد دادگاه‌های تخصصی نمود بارز همین اندیشه می‌باشد. این محاکم در کنار معایب، از مزایای زیادی برخوردارند و ایجاد آنها در راه حمایت از حقوق مالکیت معنوی قطعاً بسیار مؤثر است. باید تمایل کشورها به ایجاد محاکم تخصصی را نقطه عطفی در جریان هماهنگ‌سازی آیین‌ها و رویه‌های حل و فصل دعاوی مالکیت معنوی تلقی نمود و در جهت رشد و توسعه آن تلاش کرد. با وجود این به نظر می‌رسد، ایجاد محاکم تخصصی مالکیت معنوی، برای برخی از کشورها در شرایط فعلی مناسب نباشد، مثلاً در کشورهای در حال توسعه، هزینه‌های سنگین این‌گونه محاکم باعث گردیده تا پیشنهاد شود، به جای محاکم تخصصی که صرفاً به دعاوی مالکیت معنوی رسیدگی می‌کنند، محاکم تجاری ایجاد گردد.

از این رو باید از اتخاذ تصمیمات زود هنگام در این ارتباط جلوگیری شود. در عوض باید تا فراهم شدن زمینه لازم تدابیری اندیشیده شود که در همان محاکم عمومی تا حد امکان از قضات و کارشناسان متخصص و با تجربه استفاده شده و به جنبه‌های تخصصی موضوعات مذکور اهمیت لازم داده شود.

کشورها باید سعی نمایند با اصلاح ساختارهای حقوقی، تصویب قوانین ماهوی پیشرفته و هماهنگ با استانداردهای بین‌المللی، تهیه و تصویب مکانیزم‌های دادرسی و جبران خسارت متناسب با

طبیعت موضوعات حقوق مالکیت معنوی، مقدمات ضروری ایجاد محاکم تخصصی را فراهم سازند. در عین حال نباید تصور شود تنها مکانیزم مؤثر و مفید در حل و فصل دعاوی مالکیت معنوی، در نظام‌های ملی، توسل به محاکم قضایی اعم از عمومی و تخصصی می‌باشد. توسعه مکانیزم‌های دیگر از جمله ایجاد مراجع اداری و نیز فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای توسل طرفین این‌گونه اختلافات به روش‌های جایگزین نیز در این خصوص می‌تواند بسیار مفید و مؤثر واقع شود. به عنوان نمونه اگرچه محاکم تخصصی چین تاکنون بنا به علل گوناگون دستاورد قابل توجهی نداشته‌اند، اما شیوه داورى به ویژه در اختلافات بین‌الملل خصوصى در این کشور، مورد استقبال زیادى قرار گرفته و امروزه یکى از روش‌های پر طرفدار در میان طرفین اختلافات مالکیت معنوی در این کشور است.

منابع

الف - فارسی

۱. پورنوری، دکتر، منصور، *حقوق مالکیت معنوی در دادگاه علامت تجاری و اختراعات*، نشر مهد حقوق، ۱۳۸۳.

ب - لاتین

2. Chief Judge Lu Guoqiang, Vice President of Shanghai No. 2 Intermediate People's Court "*Recent Developments in Judicial Protection for Intellectual Property in China Chief Judge Lu Guoqiang*", 2002.
3. Chapter seven final Report of the commission on *Intellectual Property Rights , Integrating Intellectual property Erights and Development policy* , London , September 2002. available at www.iprcommission.org/papers/text/final-report/chapter7.htm
4. Chapter Seven Final Report of *the Commission on Intellectual Property Rights, Integrating Intellectual Property Rights and Development Policy*, London, Sptember 2002, available at www.iprcommission.org/Papers/tex/Final-report/chapter7.htm
5. Disput Avoidance, And Dispute *Resolution in China Technical Advice*, by The China Team. 14 EXPORT AMERICA June 2001.
6. Michael Fysh QC, SC Judge, *Patents County Court*, London IP Centre, St Peter s College, Oxford, The Work of the Patents County Court, 11 February 2003,p 2.
7. M. cirrea & Abdulawi A. Yusuf, *Intellectual property and International Trade: The Trips Agreement, kluwer Law Internationai*, 1998,
8. Katsumi Shinohara, Chief Judge of the *Intellectual Property High Court, Outline of the Intellectual Property High Court* of Japan, AIPPI Journal, May 2005 131.
9. Kan Maerch, ICANN T Use my Domain Name?The Real World Application of ICANNs Uniform Domain- name Dispute Resolution Policy, 34 J.Marshall L. Rev.1027, Summer, 2001.
10. Jerom H. Reichman, *Universal Minimum Standards oF Intellectual Property Protection Under the TRIPS Component of the WTO Agreement*; in Carlos.Joshua S Gans, Phihip L Williams and David Briggs, intellectual Property Rights: a Grant of Monopoly or an Aid to Competition? Intellectual Property Research Institute of Australia. Working Paper No. 07/02, 5Dsecember 2002.,
11. J, Bruce Robertson, *Law Commission of New Zealand*, Report No, 85 Justice For All: A Vision for New Zealand Courts and Tribunals (2004) available at <http://www.Lawcom.Govt.nz/>

12. Jennifer Widner, Are Specialized Courts *the Right Approach to Effective Adjudication of Commercial Disputes in Developing Areas*? University of Michigan, February 2000.
13. Quinn emanuel urquhart oliver & hedges, llp business litigation report, "*Specialized IP Trial Courts Around the World*" 6 may 2006.
14. Rochelle C. Dreyfuss and Jane C. Ginsburg "*Draft Convention on Jurisdiction and Rrecognition of Judgments in Intellectual Property Matters*" CHICAGO-KENT LAW REVIEW [Vol. 77:1065.
15. Robert Sherwood, Intellectual property systems and Investment stimulation: The Rationg of systems in Eighteen Developing ? countries , 37 IDEA 261 , 268 (1997).
16. Raphael V. Lupo and Donna M. Tanguay, What Corporate and general Practitioners should Know about *Intellectual Property Litigation*, , ALI-ABA, 199.
17. 301 Report executive summary, about, trade act of 1974, united states, "2005 special".
18. The International Bar Association intellectual property and entertainment committee,(IBA) "*International Survey of Specialized IP Courts and tribunals*" London, February 2005, at <http://www.comml-iba.org/pdf/ipsurvey.pdf>
19. The Expectation of IP Disputes Database1, by, Judge of the Central IP&IT Court, Bangkok Thailand. This summary paper is prepared for a Symposium "*IP Enforcement in Asia*" held on Monday, 22nd, March 2004 at International Conference Center of Waseda University, Tokyo
20. Simmons & Simmons, Litigation of Patents in Europe: the Proposed European Patent Litigation Protocol and the Proposed Community Patent Rowan Freeland 9I/MWD(L010204) LN:1243DAD_5(1) (Offline
21. State Street Bank & Trust Co. v. Signature Financial Group, Inc., 149 F.3d 1368 (Fed. Cir. 1998), cert denied __ U.S. __ (1999).